

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری

دکتر علی‌نقی منزوی

مجله ماهنامه حافظ، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۳، برگه ۲۶ - ۲۹

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

دکتر علی‌نقی منزوی

- Error! Bookmark not defined.**(۱۳۳۰ - ۱۳۵۶خ) مهندس کاوه منزوی
- Error! Bookmark not defined.** سروده کاوه
- Error! Bookmark not defined.** فراخوان برای باهم بودن در جشن زناشویی

دکتر علی نقی منزوی

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری

دکتر علی‌نقی منزوی

نشریه حافظ، خردادماه ۱۳۸۳، شماره ۳، برکه ۲۶ - ۲۹

بررسی فرهنگ ایرانی در سده ۳ - ۴ هـ

گذار از ثنویت به توحید اشرافی

۱- گذار از ثنویت به توحید اشرافی: عقیدت ثنوی (دوئینی) که ریشه همه اندیشه‌های مذهبی و ملی مردم هندوایرانی را تشکیل می‌داد، آدمی را چنان نشان داد که از دو مبدأ خیر و شر، به طوری ترکیب شده است که آن دو نیرو در وی خنثی است و آدمی را سوار بر ارابه‌ای نقش می‌کرد که دو اسب سفید (خیر) و سیاه (شر) آن را می‌کشند، پس آن دو نیرو، مجبور و آدمی بر آن‌ها فرمانروا بود، هر چند حکومت ساسانی با فشار چند قرنی خواست، عقیدت به جامعه هرمی شکل را با حکومت بهتران، طوری به مردم نشان دهد که شاه با فره ایزدی در رأس آن هرم قرار گیرد و «تمرکز دولتی» را بر پایه عقیدت جبر مذهبی زروانی استوار دارد؛ لیکن در این راه کاملاً موفق نبود.

فارابی در فصل ۲۶ کتاب آراء اهل مدینه فاضله، جامعه ایده‌آل را برابر فکر ساسانیان به صورت هرمی نشان می‌دهد که قاعده آن را توده جاهل مردم تشکیل داده‌اند، بالای ایشان دانشوران و دانشمندان، به گونه‌ای قرار دارند که هر چه علم‌شان بیشتر، عددشان کمتر باشد.

فارابی در رأس این هرم شاه را نشان می‌دهد که اعلم ناس است و با عقل فعال در پیوند است و به اصطلاح فره ایزدی دارد، ولی با این همه رنگ‌آمیزی زیبا، برای جامعه ایده‌آل و حکومت بهتران که شاه باید در رأس آن باشد، باز هم جنبش مانی ثنوی و قیام مزدکیان را که اختیار را برای مردم عرضه می‌کردند، رخ داد که می‌توان این رخداد را نشانی از ناموفق بودن ساسانیان در تحمیل عقیدت جبر مذهبی زروانی مزدیسنايي بر مردم شمرد که جز اقلیتی از طبقه حاکم، کسی پیرو آن نبود.

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری

۲

جنگ‌های سی ساله ایران و روم، دولت ساسانی را ناتوان کرد و نارضایتی مردم را از حکومت طبقاتی کاست‌ها بدان جا رسانید که دولت در چند جنگ کوچک و بی‌اهمیت بنیانش فروریخت.

ایران پس از واژگونی دولت ساسانی

۲- ایران پس از واژگونی دولت ساسانی: ایرانی که می‌خواست تازه به آموزش ساسانی فرّه ایزدی و علم و سواد ادعایی شاهانش خو کند، خود را در برابر خلیفگان عرب یافت که توان ادعای دروغین علم را نیز نداشتند.

ایرانی مسلمان‌شده در نسل بعد چنین می‌اندیشید که حصرت محمد (ص) و جانشینانش، فرّه ایزدی داشتند، وگرنه بر کسری و قیصر پیروز نشدندی.

فرض کردن فرّه ایزدی، علم و سواد و معجزه برای گذشتگان دشواری نداشت، ولی برای خلیفه زنده که ادعای آن را نیز ندارد، و جز ستم، کشتار مردم و اسیری زنان و فرزندان‌شان، کاری از او ندیده‌اند، نامی جز غاصب حق دیگران نمی‌توانستند به او بدهند.

تاج و تختی که محمد (ص) با فرّه ایزدی به دست آورده است، بایستی مانند دوران ساسانی از راه تخم به فرزندان‌ش منتقل شود، چرا به دست خاندان امیه افتاده است که سال‌ها با محمد (ص) جنگیده‌اند؟

اگر همه مردم ایران بدین اندیشه نبودند، آن عده روشنفکرتران که می‌خواستند خاک میهن خود ایران را برهاند، این اندیشه‌ها را در میان مردم ستم‌کشیده و هم‌وطنان رنج‌دیده پخش می‌کردند.

مذهب در دو قرن سکوت

۳- مذهب در دو قرن سکوت: در آن دوران آغازین ظهور اسلام، جز شمشیر عرب، هیچ چیز حکومت نمی‌کرد.

ایرانی حق هیچ گونه اظهار نظر نداشت. ایرانیان روشنفکری که جان به سلامت برده بودند، خود را به زیر پرچم یک ایل عرب وارد کرده، مولا (نیم‌برده) آن قبیله به شمار می‌آمدند، ولی باز هم به هیچ یک از این موالی روشنفکر، حق اظهار نظر داده نمی‌شد، اینان تنها می‌توانستند با نقل قول از ارباب خود، مطلبی را بیان کنند.

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری

۳

گاهی در صورت آشکار شدن اختلاف میان خود عرب‌ها که بیشتر دربارهٔ منافع مادی ایشان بود، ایرانیان می‌توانستند نظر ایده‌تولوژیک خود را زیر پرچم آن عرب که منافع مادی اش مقتضی دفاع از آن ایده بود، آشکار سازند. در این صورت، آن عرب که این اندیشه، منافع او را تأمین می‌کرد، پرچم دفاع از آن را به دوش گرفته، موالی ایرانی که صاحبان اصلی آن ایده بودند به زیر پرچم او مبارزه می‌کردند.

نمونه‌هایی از تبلور اندیشه‌های ایرانیان

۴- نمونه‌هایی از تبلور اندیشه‌های ایرانیان: ایرانیان، اسلام را بر پایهٔ «توحید اشرافی» / پان‌ته‌ئیسیم و با رنگ میترائیسیم؛ یا زروانی تکامل یافته از ثنویت زردشتی پذیرفته بودند، یعنی ایرانیان به صورت «اسلام گنوسیستی» بدون گذر از اسلام رسمی سنی دولتی، مسلمان شدند.

رگه‌هایی ایران‌دوستی در برخی از گروه‌های مذهبی

رگه‌هایی از اندیشهٔ ایران‌دوستی ایرانیان را در سده‌های سوم و چهارم هجری در فرقه‌های زیر می‌توان شناسائی کرد:

۴-۱- مرجئه

روشنفکران ایرانی، دور اعرابی را که در جنگ معاویه و علی (ع)، بی‌طرفی اختیار کرده بودند، گرفتند و با سهل‌گیری در عبادات طرز تفکر زردشتی خود را که می‌گفت: خداپرستی کار دل است (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ) در این فرقه نمودار ساختند.

۴-۲- قدریان

ریشه‌های دو بونی هندوایرانی (به صورت مانوی و مزدکی) پیروان فراوان داشت، ولی در دورهٔ ساسانیان تحت فشار بود، اما پس از اسلام رشد کرد. پس از واژگون شدن ساسانیان، پیش از آن که عرب‌ها به معنی فلسفهٔ ثنوی پی برند، این اندیشهٔ از زیر فشار ساسانی رسته، رشد کرد و گسترش یافت و توحیدگرایی زردشتی مزدیسنايي، میترايي تضعیف گردید.

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری

۴

هنگامی که عرب‌ها به خطر دو بُنی پی بردند، مانویان به زیر پرچم مذهب سامی مسیحی که عرب‌ها آن را به رسمیت شناخته بودند، درآمدند.

برخی از زردشتیان دو بُنی (ثنوی گرا) ثنویت کهن و زنده‌شده ایرانی را با توحید عددی عرب درآمیخته، مذهبی را پدید آوردند که چون برای بشر قدرت و اراده مختار قائل بود، به نام «قدری» شناخته گردید.

هنگامی که چند ایرانی بدون این که زیر پرچم عربی باشند، به چنین اندیشه نام‌بردار شدند، برچسب «مجوس این امت» بدیشان زده شد و حدیثی بدین مضمون ساخته، به پیامبر نسبت داده شد و کشتار ایشان آغاز گردید^۱.

معبد جهنمی به سال ۸۰ به دست حجاج در بصره در زمان عبدالملک مروان (۲۶ - ۸۶ ق / ۶۴۶ - ۷۰۵ م) غیلان دمشقی به دست خلیفه هشام (۱۰۵ - ۱۲۵ ق) در دمشق و جعد بن درهم به دست خالد بن عبدالله قسری والی عراق (۱۲۶ ق) کشته شدند.

۱ Z: حدیث «لَقَدْرِيَّةٌ مَّجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ»: في كمال الدين، بإسناده إلى علي بن سالم عن أبي عبدالله (ع)

قال: سألت عن الرقي أتدفع من القدر شيئاً؟

فقال: هي من القدر.

و قال: إن القدرية مجوس هذه الأمة، و هم الذين أرادوا أن يصفوا الله بعدله، فأخرجوه من سلطانه و فيهم نزلت هذه الآية: (يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ - ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ) و (إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ) (سورة قمر، شماره ۵۴، آیت ۴۹ و ۵۰).

أقول: المراد بالقدرية النافون للقدر و هم المعتزلة القائلون بالتفويض. "الميزان في تفسير القرآن، علامه طباطبائی، ج ۱۹، ۱۸۹) از امام صادق (ع) روایت شده که ایشان فرمود قدری‌ها مجوس این امت هستند، ایشان کسانی هستند که می‌خواهند خداوند را به عدل توصیف کنند، در نتیجه سلطان خداوند را محدود نموده‌اند. علامه می‌فرماید: من می‌گویم مراد از قدریه کسانی هستند که قدر را نفی می‌کنند و اینان معتزله هستند که قائل به تفویض هستند.

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری

۵

لقب دمشقی در دنبال نام غیلان، با تعصب، برخی خاورشناسان را بر آن داشته است که قدرگرایی را واگرفته از مسیحیان شام بشمرند، ولی شاید بتوان گفت هرگاه مردم آن روزگار چنین می‌پنداشتند، آن حدیث به صورت «القدریه مسیحی هذه الامة» ساخته می‌شد، نه مجوس ...

۴-۳- جهمیان

برخی از زردشتیان توحیدگرای (مزدیسنايي - میترايي) نیز با موحدان زروانی درهم آمیخته، به زیر پوشش اسلام درآمدند، شاید بتوان نمونه ایشان را در جهم بن صفوان ترمذی (کشته ۱۲۸ ق) نشان داد. او و جهمیان پیرو او جبرگرایی را از موحدان زردشتی (میترايين و زروانيان) گرفته و تنزیه را گنوسیسم از زردشتی با خود داشتند، چنان که قدریان، اختیار را از ثنویان مانوی گرفته، تنزیه را از «گنوسیسم متافیزیسم» زردشتی داشتند، سپس در نسل بعد، معتزلیان، اختیار را از «قدریان» و تنزیه را از جهمیان واگرفته بودند. جهم استاد هشام بن حکم نیز هست که بعدها از اصحاب حضرت صادق (ع) شد (خاندان نوبختی، برگه ۷۹) و عقاید او را ابن جوزی از کتاب آراء و دیانات نوبختی بیرون کشیده، رد کرده است (تلبیس ابلیس، برگه ۸۸).

جهمیان، مانند زروانیان می‌گفتند: بهشت و دوزخ در پایان نابود خواهد شد و چیزی جز خدا (زمان = دهر) باقی نخواهد ماند. (تعریفات جرجانی) در این دوران که ایرانیان (مرجیان و جهمیان و قدریان) عقاید اسلامی را به سوی نرمی گرایش می‌دادند و حکام عرب با شمشیر بدیشان پاسخ می‌گفتند، گروهی عرب خشن‌تر از حکام ایشان به نام خارجیان به پا خاسته، دولت را به تسامح بیش از اندازه و سست‌دینی متهم کردند.

۴-۴- شواهد دیگر

شاهد دیگر از تبلور اندیشه‌های ایرانیان در فرقه‌ها و آیین‌های پس از اسلام را در موارد زیر می‌توان یافت:

- معتزلیان آغازین؛
- پیروان ابومسلم خراسانی؛
- راوندیان؛

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و
چهارم هجری

۶

دکتر علی نقی
نیم‌سنزوی

- خلافت مأمون و سه شرط آن؛
- شورش ایرانیان در سپاه امین؛
- ولایت عهدی امام رضا (ع) و پیامدهایش؛
- عهدشکنی مأمون؛
- استقلال طاهریان در خراسان؛
- خواب‌نمادن مأمون و اندرزهای ارسطو؛
- دارالحکمه یا بیت‌الحکمه؛
- آشکارشدن گنوسیسم ایرانی؛
- باورپرسی؛
- آخرین وصیت‌نامه مأمون؛
- دوگونه توحید و جغرافیای فرهنگی؛
- رنگ اسلامی قیام‌های ضدّ عرب؛
- پایگاه اقتصادی گنوسیست‌های معتدل؛

- خاندان‌های ایرانی تأثیرگذار، مانند: خاندان رفیل، خاندان نوبخت، خاندان جنیدیان، خاندان عمیان، خاندان یقطینیان، ساجیان و حجریان، ریشه ساجیان، حسن بن هارون، شلمغانیان؛

- اشعریان در کوفه و قم؛
- کشاکش گنوسیست‌های معتدل قم با تندروان ری؛
- اخراج دسته‌جمعی غلات از قم؛
- قیام احمد حسن مادرانی؛
- تأثیر متقابل گنوسیسم و تسنن.

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و
چهارم هجری

۷

در قرن دوم، نیمه گنوسیست‌های معتزلی، تسنن سلفی را منزوی کردند و با اندک آزادی، مردم بین‌النهرین تا سند رسوبات عقاید اجدادی خود (زردشتی، زروانی، میترائیست، بودایی و هندویی) را که «توحید اشراقی» بود از «توحید عددی» تورات، مدیرانه جدا کردند.

برای تفصیل نگاه کنید به مقاله نویسنده در جلد دوم ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی که به همت دکتر یحیی مهدوی و ایرج افشار چاپ شده است.

دکتر علی نقی
نیم‌منزوی

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- آراء أهل المدينة الفاضلة، مباهي آراء أهل المدينة الفاضلة، ابونصر محمد فرزند طرخان فرزند اوزلغ فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ ق / ۸۷۳ - ۹۵۰ م)، مطبعة الكاتوليكية، بيروت، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.
- آراء و دیانات، حسن فرزند موسی نوبختی (سده ۳، ۴ هـ).
- ایران دوستی در سده‌های سوم و چهارم هجری، دکتر علی‌نقی منزوی، هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر یحیی مهدوی و ایرج افشار، ۱۳۷۱ خ، ج ۲، برگه ۷۲۷ - ۷۶۰.
- التعريفات، میرسید شریف جرجانی علی فرزند محمد (د: ۸۱۶ ق)، گوستاو فلوگل، لایپزیگ، ۱۲۶۱ ق / ۱۸۴۵ م؛ چاپ دیگر: ناشر ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۰ خ؛ چاپ دیگر: مکتبه لبنان، بیروت.
- تلبیس ابلیس، الناموس فی تلبیس ابلیس، کشف تلبیس ابلیس، کشف ناموس تلبیس ابلیس، ابوالفرج ابن جوزی، عبدالرحمان فرزند علی (۵۰۸ - ۵۹۷ ق)، قاهره، ۱۳۴۷ ق و ۱۳۶۸ ق؛ برگردان علیرضا ذکاوتی قراگزلو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸ خ.
- تورات
- خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۱۱ خ؛ چاپ دیگر: انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۷ خ.
- فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری، دکتر علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، نشریه حافظ، خردادماه ۱۳۸۳، شماره ۳، برگه ۲۶ - ۲۹.
- قرآن، سورة قمر، شماره ۵۴، آیت ۴۹ و ۵۰.
- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، سیدمحمدحسین، بیروت، ۱۳۹۰-۱۳۹۴/۱۹۷۱-۱۹۷۴.

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و
چهارم هجری

فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و
چهارم هجری

۹

نشریه حافظ، خردادماه ۱۳۸۳، شماره ۳، برکه ۲۶ - ۲۹، فرهنگ ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری، دکتر
علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ).

دکتر علی‌نقی منزوی